



### «تلفن» کینگ در دست هنکوک

ظاها صنعت سینما قصد ندارد دست از سر داستان‌های ترسناك استقفان کینگ بردارد و حالا نوبت «تلفن آقای‌هارپگان» است تا تبدیل به فیلمی سینمایی شود.
تلفیکس این داستان کوتاه کینگ را به‌عنوان محصول تازه‌اش انتخاب کرده و جان لی هنکوک را برای کارگردانی آن دعوت به همکاری کرده است. فیلم‌نامه اقتباسی این درام ترسناك و دلهره‌آور را هم هنکوک می‌نویسد. / وریاتی



### مقابله هولت با بیگانه‌های فضایی

نیکلاس هولت در کنار جان هم و آندریا رابینورو در فیلم «دارودسته آلفا» بازی می‌کند. داستان این اکشن علمی-تخیلی، یک‌بار دیگر موجودات بیگانه فضایی را وادار به تهاجم به کره زمین می‌کند. اما سازندگان فیلم با اصرار می‌گویند این تهاجم با تهاجم‌های قبلی فضایی‌ها به زمین تفاوت دارد! تیم دو نفره دیوید و ناتان زلنر کارگردان فیلم هستند.
صحنه‌های فیلم سال آینده میلادی در یک کشور اروپای شرقی فیلمبرداری می‌شود. / موویز

# زندگی به سبک فیلم هندی

## «دل بیچاره» توانسته با استفاده از حواشی اطراف فیلم از پر بازدیدکننده‌های اکران اینترنتی شود

با غلبه کرونا بر زندگی و فعالیت‌های عموم مردم در سراسر جهان، اکران عمومی اینترنتی محصولات جدید سینمایی هم رونق خاصی گرفته است. در نبود امکانات نمایش محصولات سینمایی در سالن‌های تاریک سینما، اکران زنده و اینترنتی فیلم‌های جدید تنها گزینه پیش روی تهیه‌کنندگان و فیلمسازان در نقاط مختلف جهان است. «دل بیچاره» محصول درام تازه صنعت سینمای هند، جدیدترین محصولی است که این‌گونه راه خود را برای دیده‌شدن در بین تماشاگران سینما پیدا و انتخاب کرده‌است. این درام خانوادگی رمانتیک، با بازی سوشانت سینگ راچپوت و تازه‌واردی به نام سانجانا سانگی ساخته شد و قرار بود برای اوایل فصل بهار سال جاری میلادی به نمایش عمومی درآید، اما مشکلاتی که در دوران پس تولید فیلم رخ داد این زمان چند بار تغییر کرد. ویروس کرونا بالاخره بر دل بیچاره غلبه کرد و برایش يك اکران اینترنتی ترتیب داد. نکته مهم در رابطه با دل بیچاره مرگ مشکوک بازیگر اصلی آن در ۲۴ ژوئن است. شرکت والت دیزنی بلافاصله بعد از مرگ سوشانت سینگ راچپوت امتیاز پخش اینترنتی آن در دیزنی پلاس را به قسمت ۵۰۰ (حدود ۵ میلیون دلار ) خریداری کرد و تاریخ ۲۴ جولای را به‌عنوان زمان پخش اینترنتی آن اعلام کرد.

کیکاوس زیاری  
سینمای جهان

پخش زنده اینترنتی دل بیچاره با جنجال و واکنش‌های بسیار زیادی همراه بود. سایه مرگ بازیگر اصلی فیلم بر پخش اینترنتی غیرقابل انکار است. طرفداران بازیگر با اعتراض به تهیه‌کنندگان مبنی بر فروش اینترنتی فیلم، خواستار آن بودند که آخرین فیلم سینمایی بازیگر مورد علاقه‌شان در سالن سینما اکران عمومی شود و نه اینترنت. اما دیزنی که به دنبال کسب سود بود، احساس کرد طعمه خوبی به‌دست آورده است. تهیه‌کنندگان دل بیچاره هم که نمی‌دانستند پختک ویروس کرونا چه زمانی از زندگی مردم رخت برمی‌بندد، برای جلوگیری از ضرر بیشتر احساس کردند فروش اینترنتی آن مقرون به‌صرفه‌تر است. هزینه تولید دل بیچاره ۴۰۰ (حدود ۴ میلیون دلار) بوده است. با توجه به رقمی که دیزنی پلاس برای خرید فیلم پرداخت کرد، می‌توان از آن به‌عنوان يك فیلم پر فروش اسم برد. این در حالی است که اکران عمومی فیلم هم می‌توانست يك کار بسیار موفق باشد و جایگاه خوبی در جدول گیشه نمایش سینماها کسب کند. در حقیقت، مرگ مشکوک سوشانت تمام توجهات را به آخرین حضور سینمایی‌اش در مقابل دوربین جلب کرده بود و همگان سخت چشم انتظار نمایش عمومی دل بیچاره بودند.

داستان دل بیچاره همان موضوع دلدادگی دو جوان را

تعریف می‌کند که این‌بار چاشنی بیماری سرطان را با خودش دارد. اگر در محصولات مشابه والدین بچه‌ها هستند که مانع رسیدن آنها به یکدیگر می‌شوند، اینجا بیماری سرطان است که مرگ دو شخصیت محوری ماجرا را رقم زده و مانع از وصال‌شان می‌شود. کیزی باسو (سانجی) در حال مبارزه با سرطان تیروتید است که با مانی (سوشانت) آشنا می‌شود. گرچه کیزی در مبارزه با سرطان موفق بوده و در حال بهبودی است، اما حال مانی هر روز که می‌گذرد وخیم‌تر می‌شود. با وجود آن‌که حال مانی بدتر از کیزی است، اما روحیه‌ای قوی‌تر دارد و به کیزی امید به زنده ماندن و زندگی کردن را می‌دهد. مرگ زودهنگام مانی گرچه برای کیزی و اطرافیان سخت است، اما امید به ادامه زندگی در آن را قوی‌تر کرده است. فیلم‌نامه دل بیچاره براساس داستان پرخواننده سال ۲۰۱۲ جان گرین به نام اشتباه در ستاره‌های ما نوشته شده است. هالیوود هم همان سال نسخه سینمایی این داستان را با همان نام کتاب و بازی شایلین وودلی و آنسل الگورت تولید و راهی پرده کرد، اما منتقدان بر این عقیده‌اند که نسخه هندی خوش‌ساخت‌تر است و در هدف خود (یعنی تاثیر دراماتیک بر تماشاچی) بسیار موفق‌تر عمل کرده است. موکش چابرا با این فیلم، اولین تجربه فیلمسازی‌اش را ارائه داده است.

#### آقازاده‌ها

پخش دل بیچاره با مرگ سوشانت سینگ همراه بود و این باعث اعتراض‌ها و تظاهرات زیادی در کشور هند شد. ابتدا مرگ بازیگر خودکشی اعلام شد، اما بسیاری عقیده داشتند مرگ او قتل بوده‌است و نه خودکشی. از همان ابتدا، جنبشی بزرگ علیه نپوتیسم در هند به راه افتاد. معادل فارسی نپوتیسم همان خویشاوندگرایی و گماردن خویشاوندان و اطرافیان نزدیک در پست‌های مهم و کلیدی است. ما ایرانی‌ها این موضوع را با نام آقازاده‌ها و آقازدگی می‌شناسیم. تحرکات اجتماعی بعد از مرگ سوشانت نشان داد آقازدگی مختص کشور ما نیست و در همه جاریشه دارد و فعال است. جنبش عمومی در هند روی این نکته تاکید می‌کرد که در بالیوود نقش‌های اصلی به فرزندان جوان (و بی‌استعداد) هنرمندان قدیمی داده می‌شود و از حضور بازیگران مستقل و غیرآقازاده به صنعت سینمای هند جلوگیری می‌شود. سوشانت از جمله معدود بازیگران موفق بالیوود بود که بدون پارتی و داشتن والدین هنرمند وارد دنیای سینما شد و توانست تاحد يك ستاره خودش را بالا بکشد. در روزهای ابتدایی مرگ سوشانت، بسیاری دلیل خودکشی او را در جفایی می‌دانستند که نیروهای رنفوذ و قدرتمند در بالیوود به هنرمندان مستقل و بدون پارتی (همچون

سوشانت) روا می‌داشتند. سیل انتقادها به سمت بازیگران جوان موفقی که پدر و مادر هنرمند دارند، سرازیر شد و شبکه‌های اجتماعی پر شد از اتهام‌ها و انتقادهایی که نثار این بازیگران جوان می‌شد. با این حال، گروهی از منتقدان از مردم خواستند در انتقاداتشان رعایت انصاف را بکنند. به باور این گروه، گرچه تعداد زیادی از بازیگران جوان از نپوتیسم استفاده کرده و وارد بالیوود شده‌اند، اما برخی‌شان واقعا استعداد بازیگری هم دارند و موفقیت‌شان را نمی‌توان تنها مرمون حمایت‌های والدین آنها دانست. همین گروه از منتقدان با اشاره به نام آپیشک پاچان، به این نکته مهم اشاره داشتند که سرشناس بودن والدین تنها می‌تواند به ورود سریع و بی‌درسر بچه‌هایشان کمک کند و تضمینی برای موفقیت و ادامه کار آنها نیست. منتقدان به نام خوبی اشاره کرده‌اند.

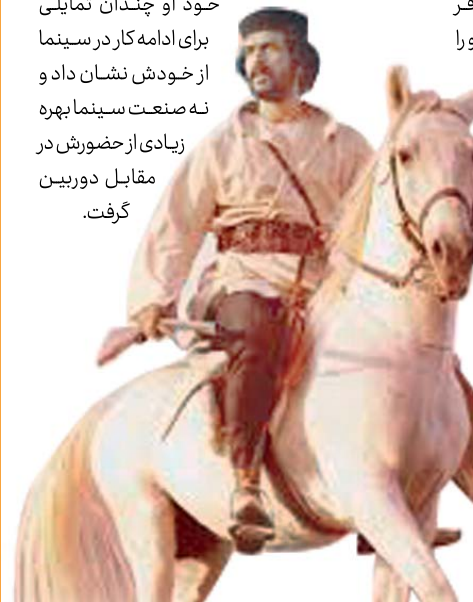
#### قتل خودکشی‌گونه؟

گفته می‌شود در صنعت سینمای هند، پول کثیف نقش مهمی در سرمایه‌گذاری روی محصولات سینمایی دارد. از ارتباط بالیوودی‌ها با جنایت‌کاران زیرزمینی بسیار گفته می‌شود. این در حالی است که سیاستمداران هندی هم علاقه بسیار زیادی به حشر و نشر با هنرمندان بالیوودی دارند. تمام اینها باعث شده تا بالیوود همیشه تیترا اول و

جنگلی رسانه‌های گروهی (و حالا شبکه‌های اجتماعی) باشد. مرگ سوشانت هم این بازار داغ را داغ‌تر کرده است. اگر يك ماه قبل در رسانه‌ها از مرگ او به‌عنوان خودکشی و افسردگی ناشی از آقازاده نبودن اسم برده می‌شد، حالا صحبت از قتل او توسط فرزند یکی از رهبران سرشناس دنیای سیاست هند است. اوضاع و شرایط آن قدر بغرنج حساس شده که پرونده مرگ بازیگر به سی‌بی‌آی عالی‌ترین اداره پلیس هند ارجاع شده است. این اداره معمولاً روی بحث‌برانگیزترین و حساس‌ترین پرونده‌های سیاسی کار می‌کند و در دست گرفتن پرونده مرگ مشکوک سوشانت، حکایت از ورود این پرونده به يك مرحله مهم و سرنوشت‌ساز می‌کند. تمام این مسائل تاثیر مستقیم خودش را بر نمایش اینترنتی دل بیچاره گذاشته است. فیلم در روزهای اول پخش، پربیننده‌ترین فیلم روز بوده و سایت آی‌ام‌دی‌بی ۹/۵ امتیاز از ۱۰ امتیاز خود را به آن داده است. بعد از گذشت حدود سه هفته از پخش دل بیچاره در اینترنت، این فیلم هنوز از پر بازدیدکننده‌های اینترنت است. به احتمال بسیار زیاد، اگر سوشانت زنده بود چنین استقبال عظیمی از فیلمش صورت نمی‌گرفت. سه ماه قبل، «رانندگی» سوشانت از اینترنت پخش شد و تماشاگران بدون توجه به آن، از کنارش گذشتند. 

## جوانمرگ‌های سینما

است که فضای سیاست‌زده سال‌های اول انقلاب، باعث شد تا مرگ او (و همچنین مرگ کسانی چون سهراب سپهری) چندان مورد توجه افکار عمومی قرار نگیرد. از نمونه‌های جدیدتر جوانمرگی هنرمندان باید به پوپک گلدره اشاره کرد که بیشتر به‌عنوان يك هنرمند تلویزیونی شناخته شده بود. امیر صادقیان دیگر بازیگری است که البته فعالیت چندانی در سینما نداشت. در دهه ۷۰ میلادی و زمانی که هنوز جوانگرایی سراغ فیلم‌نامه نیامده بود و کسانی چون بهرام رادان، محمدرضا گلزار و محمدرضا فروتن از راه ترسیده بودند، صادقیان نقش اصلی جوان اول یکی از فیلم‌های پرفروش دوران را به‌عهده گرفت. اما از يك طرف، نه خود او چندان تمایلی برای ادامه کار در سینما از خودش نشان داد و نه صنعت سینما بهره زیادی از حضورش در مقابل دوربین گرفت.



امروزی بالیوود رسیده‌اند، تعداد اندکی از آنها در سن و سال کم راهی دنیای دیگر شده‌اند. نمونه اخیرش مرگ مشکوک سریدیوی مگااستار چند دهه اخیر بالیوود است که هند را در بهت و حیرت فرو برد. دو دهه قبل هم مرگ مشکوک دیویا بهارتی (که گفته می‌شد خیلی زود به‌عنوان رقیب سرسخت سریدیوی، او را از گود خارج خواهد کرد) همه را شگفت‌زده کرد. در ایران هم نمونه‌هایی از این موضوع در دست است. از بازیگران نسل قبل‌تر می‌توان به محمود جوهری اشاره کرد. او در سریال تاریخی «دلیران تنگستان» در نقش رئیسعلی دلواری ظاهر شد. مجید فریدفر را نمی‌توان بازیگر سینما قلمداد کرد، اما همه او را يك بازیگر می‌شناسند. گرچه او فقط در يك فیلم دوران قبل از انقلاب («مراد و لاله») بازی کرد، اما این درام اشک‌انگیز خانوادگی در زمان نمایش سروصدای زیادی به‌پا کرد و مورد توجه قرار گرفت. نوع درگذشت بازیگر هم از جمله چیزهایی بود که بسیار مورد توجه قرار گرفت. او در روزهای ابتدایی جنگ تحمیلی با عراق، راهی جبهه‌های نبرد شد و خیلی زود شهید شد. شاید پرویز فنی‌زاده معروف‌ترین بازیگری باشد که نه به مرگ طبیعی، که به‌واسطه چیز دیگری از دنیا رفت. او که دانش‌آموخته تئاتر بود و در تعدادی از محصولات قابل توجه سینمای قبل از انقلاب حضور داشت، در سال‌های اول پس از انقلاب درگذشت. نکته جالب این

#### سوشانت سینگ راچپوت به رسانه‌ها چه گفته؟

## خیلی زود متوجه واقعیت‌ها شدم

هنگام مرگ تنها ۳۳ سال داشت و شش سال از حضورش در

جلوی دوربین سینما و بازی در ۹ فیلم می‌گذشت. با وجود مدت زمان کوتاهی که در بالیوود حضور داشت، توانست لقب يك ستاره موفق را بگیرد. رسانه‌ها از سوشانت سینگ راچپوت به‌عنوان هنرمندی خودساخته یاد می‌کردند که توانسته بدون پارتی‌بازی و خویشاوندگرایی نامی در بین چهره‌های مطرح روز پیدا کند. صاحب‌زیر برگرفته از چند گفت‌وگوی متفاوت سوشانت در سال ۲۰۱۹ با مجله معتبر فیلم فیر و روزنامه ایندیپاتایمز و چند سایت اینترنتی است. پرسش‌های گفت‌وگوها هم حکایت از موضوع نپوتیسم و پارتی‌بازی می‌کند.

❏ **با فیلمسازان بسیار خوبی کار کرده‌ای. بازی‌هایت هم از سوی منتقدان تحسین شده است. اکثر فیلم‌هایت هم با فروش خوبی روبه‌رو شده‌اند. اما هنوز هم وقتی فیلمی از تو اکران می‌شود خبری از آن جار و جنجال‌ها و تبلیغاتی که مثلا برای وارون دهاوان یا آیوشمن کورانا می‌شود، نیست.**

این واقعیتی است که خودم هم دلیلش را نمی‌دانم. زمان نمایش عمومی درام ورزشی «دونی» (که نقش ورزشکار بزرگ هندی را بازی کرد) خیلی ناامید و ناراحت شدم. در حق این فیلم هم مثل بقیه فیلم‌هایم جفا شد، اما کسی بعد به خودم گفتم شاید توقعات زیادی دارم و نباید چشم انتظار چیزهای خیلی زیادی باشم. زمانی که به‌عنوان يك بیگانه و خارجی که پارتی ندارد در بالیوود موفق می‌شود، مورد بحث و صحبت قرار می‌گیرید. اما نوع صحبت درباره شما، خیلی آرام است و سروصدای زیادی پیرامونش ایجاد نمی‌شود. اما اگر يك خودی باشید که کس و کاری در این حرفه دارید، همه جا درباره‌تان حرف زده می‌شود و موفقیتی که به‌دست آورده‌اید، مدام مورد

#### بازی در کدام نوع فیلم را ترجیح می‌دهید؟

واقعیت این است که جامعه طرفدار نوع‌های مختلف فیلم و داستان است و باید به خواست تماشاچی احترام گذاشت، اما یادمان باشد که هنر چیزی مثل علم نیست. علم را می‌توان سنجید و اندازه کرد، اما هنر را نه. هنر را روح و دلمان می‌گیریم و جذب می‌کنیم و در آن، دو دو تا چهارتا نیست.

❏ **یعنی فروش فیلم‌ها یا شکست تجاری‌شان شما را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد؟**

نه، مرا هم تحت تاثیر قرار می‌دهد. مگر می‌شود در بالیوود کار کنی و به چنین موضوع مهمی بی‌توجه باشی؟ با هر فیلمی يك تجربه تازه کسب می‌کنم و چیز جدیدی یاد می‌گیرم، اما باورم این است که هر تجربه‌ای الزاما به شما چیز جدیدی نمی‌آموزد.